

میرسید علی همدانی، شخصیتی جامع الاطراف

(دیدگاه های هنری، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عرفانی و مذهبی میر سید علی همدانی)

الیاس صفاران*^۱، سلیمه جعفری^۲

۱- دانشیار گروه هنر دانشگاه پیام نور

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنردانشگاه پیام نور

Email:saffaran@pnu.ac.ir

چکیده

میر سید علی همدانی از عارفان و صوفیان قرن هشتم هجری است که در همدان به دنیا آمد و پرورش یافت، در دوران ابتدایی زندگی از آموزش وسیعی بهره مند گردید و تحت تعلیم اساتید بزرگی قرار گرفت. برای کسب علم و دانش به مسافرت های فراوان پرداخت. محیط زندگی و آموزشی و مسافرت های وی در سرزمین های مختلف، ایشان را به وادی تصوف و عرفان کشاند. سید در میان عرفا و صوفیان از جهات مختلف ممتاز است و دارای مقام والایی است. به معنای واقعی کلمه جوینده و راهنمای حسنه دنیا و الاخره بوده است. دوران زندگی ایشان را می توان به سه دوره؛ تعلیم و تربیت- سیاحت و جهانگردی- ارشاد و تبلیغ تقسیم نمود. از تمامی امکانات مادی و معنوی خویش در راه ارشاد و تبلیغ دین اسلام استفاده نمود و خود نمونه کامل یک مسلمان واقعی و الگوی عینی یک پیشوای دین بود. سید از طریق نفوذ و ارتباط با حاکمان و دعوت آنها به عدل و انصاف و رعایت موازین انسانی، تشکیل مجالس وعظ و خطابه، تدریس معارف اسلامی و تربیت شاگردان و مبلغان، ایجاد سازمان های منظم و وسیع برای تبلیغ، انجام مناظرات، ساخت مسجد، خانقاه و کتابخانه، تألیف و تصنیف دهها کتاب و رساله و آموزش زبان و هنر فارسی خدمات فراوانی به ترویج فرهنگ اسلامی و ایرانی به سرزمین های مختلف، بخصوص نواحی شرق آسیا مانند شبه قاره و کشمیر نمودند. میر سید علی همدانی شخصیتی جامع الاطراف است که این جامعیت را می توان از مطالعه تاریخ زندگی و بررسی آثارش نتیجه گرفت. هدف اصلی این پژوهش هم بررسی دیدگاه های مختلف و متنوع شخصیت میر سید علی همدانی است. ما در این مقاله سعی نموده ایم دیدگاه های سید را از سه جنبه؛ (۱) عرفانی، مذهبی (۲) سیاسی، اخلاقی و (۳) اجتماعی، فرهنگی و هنری مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم.

واژگان کلیدی: میر سید علی همدانی، دیدگاه های همدانی، عرفان، سیاست، هنر.

۱- مقدمه

بدون شک برای بررسی شخصیت افراد از ابعاد مختلف بدون دسترسی به خود آن ها، یا باید به بررسی آثار خود آن ها پرداخت یا این که ببینیم بزرگان و صاحب نظران علی الخصوص شاگردان و نزدیکان ایشان درباره شخصیت آن ها چه گفته اند و چه تحقیقاتی در مورد آن ها صورت گرفته است. میر سید علی همدانی نیز از این گونه اشخاص است. هر چند که آثار و رساله های علمی نسبتاً فراوان همدانی غالباً به صورت نسخه های خطی و بدور از دسترس پژوهشگران قرار دارد. پس از گذشت حدود ۷ قرن از زندگی ایشان، مطالعه در مورد ابعاد شخصیتی وی که در کشور و زادگاه خود نیز غریب است! نیاز به تحقیق و مطالعه فراوان دارد. اگر چه سخن در مورد شخصیت های بزرگ مانند میر سید علی همدانی با وجود این محدودیت ها به مثابه « آب دریا به کفچه پیمودن» است، اما می توان دلخوش بود که « آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید». درباره میر سید علی همدانی کتاب ها و مقالات زیادی نوشته شده است ولی ما بیشتر به مطالعه دیدگاه های مختلف وی

پرداخته ایم. روش تحقیق این مقاله بطور کلی از نوع روش توصیفی و اسنادی می باشد، در گرد آوری مواد و اطلاعات این مقاله علاوه بر منابع کتبی، از منابع اینترنتی نیز استفاده شده است.

«میر سید علی همدانی در تصوف، فتوت اسلام، معرفت و عرفان مقام شامخ و درجات بلندی احراز نمود و از مشاهیر زمان خود گردید. حرمت و تقدسی به دست آورد که کمتر کسی از بزرگان کسب نموده اند. تاریخ زندگی او موضوعی دلپذیر و سود مند است. او عارفی ربانی و عالمی روحانی است، خدایین و جهان بین و از طرفی جهانگرد، نویسنده، شاعر و بالاتر از همه یک نابغه ایرانی است که به هر جا رفت امامت و سیادت کرد، ارشاد و وعظ گفت، مسجد و خانقاه بنا کرد که مهم ترین فعالیت های تبلیغی و تدریسی در آن انجام می گرفت و هنر ها از قبیل کلاه بافی، شال بافی، ابریشم و سنگ تراشی، معماری و خشت سازی و کار با چوب و غیره می آموخت و تقریباً سی و دو خانقاه از ختلان تا بتلستان بنا کرد که همه آن ها مراکز دین و تذهیب و هنر گردید. به همراه سید هفتصد مرید و هنر مند به کشمیر وارد شدند و با مجاهدت و و مساعی خویش در این خطه مینو نظیر تعلیمات اسلام را اشاعه کردند و توسعه بخشیدند. نوشته شده که سی و هفت هزار نفر به دست وی مسلمان شدند. کشمیریان او را علی ثانی نامیده اند، سید نیز به وسیله همراهانش در کشمیر، هنرهای دلپذیر ایرانی را معرفی کرد و از جهت دینی و دنیایی ایران صغیر را آفرید و نقش خود را بر تارک تاریخ ماندگار نمود». (ظفر، ۱۹۹۵، پیشگفتار خلاصه المناقب).

۲- زندگی نامه

سید علی بن شهاب الدین حسن همدانی، در ۱۲ رجب سال ۷۱۳ یا ۷۱۴ هجری قمری همزمان با دوران سلطنت محمد خدابنده اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶) در شهر همدان زاده شد. «نسبش را چنین بر شمرده اند: علی بن شهاب الدین بن محمد بن علی بن یوسف بن محب بن مشرف بن محمد بن جعفر بن عبیدالله بن محمد بن علی بن حسن بن جعفر بن عبیدالله حسین بن امام زین العابدین (ع) مادرش نیز از علویان (سادات) بود و فاطمه نام داشت». (همدانی، ۱۹۹۵، ص ۱۲). «پدر میر سید علی یعنی سید شهاب الدین را حاکم همدان ذکر کرده اند، ولی طبق مأخذ دیگر او حاکم مطلق نبوده، البته شاید معاون حاکم یا صاحب مرتبه ای بوده باشد. پس به نظر می رسد که شهاب الدین مرد مقتدری بوده و با امرا و سلاطین ارتباط داشته است». (حسن، ۱۳۸۵). به هر ترتیب آنچه مسلم است اینکه پدر و خاندان سید علی، از بزرگان و ثروتمندان همدان بودند. تحصیلات ابتدائی را از سید علاءالدوله سمنانی (۶۵۹ ° ۷۳۶ هـ. ق) دای خود فراگرفت در سنین کودکی و نوجوانی اوقات خود را غالباً صرف نوشتن، مطالعه و تحصیل می کرد و تحت نظارت دایی خود به فراگیری تحصیلات مقدماتی و علوم متداول روی آورد و در دوازده سالگی سید سمنانی خواهرزاده خویش را به شیخ ابوالبرکات تقی الدین علی دوستی مرید خود سپرد. پس از چندی به خدمت شیخ محمود مزدقانی رفت و نزد وی به تهذیب نفس و سیر و سلوک پرداخت.

فضلا و دانشمندان او را «سلطان العارفین» و مردم کشمیر وی را بانی اسلام «علی ثانی» و ارادتمندان و مریدانش او را «شاه همدان» لقب داده اند. از او با نام امیر کبیر نیز یاد می شود و میر سید علی همدانی در تاجیکستان به عنوان «حضرت امیرجان» نیز معروف است.

دکتر روشن آرا بیگم (۱۳۷۳) دوران حیات میر سید علی همدانی را به طور اجمالی به سه دوره تقسیم کرده است: دوره اول (۷۱۴ تا ۷۳۳ هـ. ق): این دوره زمان تعلیم و تربیت اوست که مشتمل بر بیست سال اول زندگی وی می باشد. پس از یادگیری دروس ابتدایی نزد سید علاءالدوله سمنانی، به حفظ قرآن پرداخت و علوم متداوله را علاوه بر دایی و پدرش از شیخ ابوالبرکات تقی الدین علی دوستی فرا گرفت. در طریقت او به حلقه ارادت شیخ بزرگ و معروف سلسله کبرویه، شیخ شرف الدین محمود بن عبدالله مزدقانی (متوفی ۷۶۶ هـ. ق)، مرید و خلیفه شیخ علاءالدوله سمنانی وارد گردید ولی علوم باطنی و فیوض روحانی را از شیخ تقی الدین علی دوستی کسب کرد.

دوره دوم (۷۳۳ تا ۷۵۳ هـ. ق): دوره دوم زندگی سید دوره سیاحت و جهانگردی است. او به هدایت مرشد خود در سال ۷۳۴ هـ. ق مسافرت سنتی اهل تصوف را آغاز نمود و سه بار به ممالک مختلف دنیا از قبیل حجاز، روم، شام، عراق، افغانستان، ماوراءالنهر، نقاط شمالی شبه قاره هند و پاکستان، ترکستان، چین، سیلون و نقاط مختلف ایران رفت. او در دوران مسافرت خود

به شهر های مختلف، به زیارت هزار و چهارصد تن از بزرگان دین شرفیاب شد و از برکات روحانی و فیوضات باطنی آنها بهره برد. در اثنای سیاحت نخستین بار در ۷۴۰ ه. ق. گذارش به کشمیر افتاد و چند روزی در آنجا اقامت نمود. دوره سیاحت و جهانگردی او بیست و یک سال، یعنی تا ۷۵۳ ه. ق. ادامه داشت.

دوره سوم (۷۵۳ تا ۷۸۶ ه. ق.): این دوره به طور کلی دوره ارشاد و تبلیغ و تلقین اوست. او در دوران جهانگردی برای هدایت و ارشاد، مناطق مختلفی را مورد بررسی قرار داد. و هر جا که مناسب دید و لازم دانست، مراکز دینی تأسیس کرد و در آن مراکز علاوه بر تدریس و افاضه علوم ظاهری و باطنی، مریدان و شاگردانی برای تبلیغ دین اسلام تربیت می کرد و به مناطق مختلف می فرستاد. در این مراکز دینی کار تعلیم و تربیت به روشی بسیار مرتب و اصولی صورت می پذیرفت. «با عنایت به سفرهای مکرری که سیدعلی داشت، امکان ازدواج برایش فراهم نشد و یا اینکه از آن پرهیز کرد تا اینکه در یکی از سفرها به خراسان بزرگ به توصیه اکید استادش «شیخ محمد بن ارکانی» و در چهل یک سالگی (سال ۷۵۳ ه. ق. / ۱۳۷۴ م) در همدان تأهل اختیار کرد. یک سال پس از ورودش به شهرکولاب، اولین فرزندش سید محمد در ولایت ختلان تاجیکستان در شهر کولاب متولد شد و پس از آن صاحب دختری شد که ماه خراسان نام گرفت». (اسدی، ۲۰۱۳، ص ۴۹). اولین مرکز ارشاد و هدایت او، وطنش همدان بود. جایی که او پس از مراجعت از سیاحت طولانی خود، یک مسجد و خانقاه بزرگ را بنیان گذاری کرده، به عبادت و ریاضت و درس و تدریس و ارشاد و هدایت پرداخت. دایره عمل تبلیغی - دینی او تا نواحی اطراف همدان نیز گسترش یافته بود. او تا مدتی در همدان اقامت داشت، سپس ظاهراً به دلیل ناراضیاتی از نوع حکومت در ایران (ملوک الطوائفی)، راهی طولانی را طی کرده به ختلان (کولاب امروزی) در تاجیکستان مهاجرت کرد و در آنجا سکنی گزید و مشغله های خود را ادامه داد. بنا بر همین مطلب ختلان وطن ثانی او خوانده می شود. این شهر از حیث تبلیغ و اشاعه دین، دومین مرکز به حساب می آمد. دایره تبلیغ او علاوه بر ختلان به شهر های دور مانند بلخ، بدخشان و بخارا نیز گسترش یافت. سومین مرکز هدایت و ارشاد او کشمیر بود. در جریان سیاحت، وقتی که اولین بار در سال ۷۴۰ ه. ق. گذرش به کشمیر افتاد، آن قدر به محیط و خصوصیات آنجا دل بستگی پیدا کرد که در سال ۷۶۰ ه. ق. دو مرید به نام های سید حسین سمنانی و میر سید تاج الدین سمنانی را برای تبلیغ اسلام و بررسی اوضاع آنجا، به کشمیر فرستاد. بعداً خود به دعوت آنها در سال ۷۷۴ ه. ق. به کشمیر رفت. فرمانروای کشمیر سلطان شهاب الدین (۷۵۵-۷۷۵ ه. ق.) بانهایت عزت و احترام از وی پذیرایی کرد و تسهیلات لازم برای ارشاد و گسترش دینی را برای او فراهم نمود. وی پس از اقامت چند ماهه در کشمیر، از آنجا به حج روانه شد. سومین بار او به دخواست اهالی کشمیر، در زمان سلطان قطب الدین (۷۷۵-۷۹۶ ه. ق.) برادرسلطان شهابالدین به کشمیر آمد و در سرنیگر (پایتخت امروزی) و در محله علاء الدین اقامت نمود. این بار جماعت بزرگی مشتمل بر هفتصد نفر از رفقا، مریدان، سادات، علماء، فضلا و اصحاب صنعت و فن همراه وی بودند. «او در کنار رود بهت (جهلم امروزی) خانقاهی تأسیس کرد و به تبلیغ و اشاعه دین پرداخت». (ریاض، ۱۹۸۵، صص ۳۸-۴۸). پس از قریب به دو سال سکونت، در اواخر سال ۷۸۳ ه. ق. کشمیر رفت و در اوایل سال ۷۸۵ ه. ق. به کشمیر وارد شد و تا اواخر سال ۷۸۶ ه. ق. در آنجا اقامت داشت. (همان، ص ۴۸). هر چند که اکثر محققین بر این باورند که سید در طول حیات خود سه بار به کشمیر مسافرت نمودند. در اواخر همین سال به عزم ختلان، کشمیر را ترک گفت، ولی در جریان مسافرت در هفتم ذی الحجه ۷۸۶ ه. ق. رحلت فرمود، پیکر او را به ختلان برده و به خاک سپردند.

۳- دیدگاه های عرفانی، مذهبی میر سید علی همدانی

در طی قرون ششم تا هشتم هجری/ دوازدهم تا چهاردهم میلادی فرقه هایی از تصوف، در جهان اسلام و به ویژه آسیای مرکزی پدید آمدند که مهم ترین آنها یسویه، کبرویه و نقشبندیه بودند. از میان این سه فرقه، یسویه و کبرویه در آسیای مرکزی مجال رشد یافتند و حتی در قرون بعدی کبرویه به یکی از انجمن های مهم تصوف مبدل شدند. کبرویه ای ها در آسیای مرکزی، حضوری چشمگیر در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشتند به طوری که آنها را سبب گرایش ایلخانان مغول به اسلام و بازگشت مجدد این دین به ایران تلقی کرده اند. ولی به تدریج به دلیل شرایط سیاسی حاکم بر جامعه و اختلافات درون فرقه ای، دچار پراکندگی و انشعاب و نهایتاً افول شدند. فرقه «کبرویه» را نجم الدین کبری در خوارزم پایه

گذاری کرد. کبرویان در زمان خود از حضوری مقتدرانه در آسیای مرکزی سود می بردند و در واقع پیشگام بسیاری از فعالیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند که بعدها نیز به طور بسیار گسترده ای توسط نقشبندیان توسعه داده شد. گسترش طریقه کبروی و به خصوص ترویج مکتب عرفانی کبروی به طور مفصل بعد از وفات نجم الدین کبری به دست مریدانش انجام شد. از بین هفت مرید اصلی کبری، یکی از آنان به نام رضی الدین علی لالا قبل از حمله مغولان به سیل مهاجران چهره های مذهبی و ادبی که به سمت غرب در حرکت بودند، پیوست. احیای دودمان قوی کبروی در آسیای مرکزی با فعالیت سید علی همدانی در نیمه دوم قرن چهارده آغاز شد. به جز فردوسی، همه شاخه های زنده کبروی ارتباط خود با نجم الدین کبری را از همدان جست و جو کرده اند. شهرت همدانی بعد از قرن پانزده به طوری بود که «کبرویه» عملاً مترادف «همدانی» در آسیای مرکزی و هند گردید. خود همدانی هم از طرف یکی از شاگردان کبری به نام رضی الدین علی لالا (وفات ۶۴۲ ق/ ۱۲۴۴ م) تا جمال الدین احمد جورفانی (وفات ۶۶۹ ق/ ۱۲۷۰ م) و بعد از آن از طریق نورالدین عبدالرحمان اسفراینی (وفات ۷۱۷ ق/ ۱۳۱۷ م) و شاگرد برجسته اش علاءالدوله سمنانی (وفات ۷۳۶ ق/ ۱۳۳۶) به مؤسس مرتبط می شد. ارتباط همدانی با سمنانی از طریق سه مرید بعدی، نجم الدین محمد اذکانی اسفراینی، تقی الدین علی دوستی و شرف الدین ابوالمعالی محمود مزدقانی (وفات ۷۶۱ ق/ ۱۳۵۹ م) که آخرین شخص بسیار مهم و تأثیرگذار بود، انجام یافته است. سیدعلی همدانی در دوازده سالگی مرید محمود مزدقانی شد، اما به دستور شیخ، بخش اعظم زندگی را در سفر به سراسر دنیا گذراند. «او اکثر عمر خود را در مناطق شرقی دنیای اسلام گذراند تا به هند رسید و در آن جا اجازه یا «تأیید نامه» برای تعالیم اصولی از ۳۴ شیخ گرفت». (گلسخی، ۱۳۷۳، ص ۱۸). شیخ همدانی بعد از بازگشت به شهر همدان، مدت زیادی را در سرحدات شرقی بدخشان، ختلان، لادخ و کشمیر گذراند. او به واسطه مسلمان کردن کشمیر مشهور شده است. همدانی در سرینگر (پایتخت امروزی کشمیر) محل اقامتی به نام خانقاه مُعلی را برای صوفیان تأسیس کرد. مدارکی که به طور خلاصه منابع موقوفات خانقاه را در بر می گیرند، همگی به نام پسر همدانی سید محمد (متوفای ۷۹۷ ق/ ۱۳۹۶ م) هستند و اینها قدیمی ترین وقفیاتی است که در کشمیر موجود است.

«میر سید علی همدانی در تصوف فرقه ای تازه به وجود نیاورده است، ولی در فتوت و همچنین در تصوف دارای عقاید بسیار جالبی است. او از صوفیانی است که روش شیخ ابوالجانب نجم الدین الکبری خیوقی کشته شده در ۶۱۶ هجری را دنبال کرده و از این جهت به کبرویه وابسته یا نزدیک است». (همان، ص ۱۵). فتیان نیز مانند صوفیان برای خود خرقة ای دارند و تمام ایشان نیز خرقة فتوت خود را به حضرت علی (ع) می رسانند. به اعتقاد آن ها حضرت علی (ع) چهار خلیفه در فتوت تعیین کرد. نخست؛ سلمان فارسی، دوم؛ ابوالمحن، سوم؛ سهیل رومی و چهارم؛ داود مصری. «تمامی سلسله های فتوت از ایشان مجزا شده و میر سید علی همدانی سلسله خود را با واسطه کمیل بن زیاد به علی (ع) می رساند و این مطلب را در رساله فتوتیه خود که در قرن هشتم هجری نوشته شده، آورده است». (همان، ص ۱۷۹). بعضی از صوفیان مسلک فتوت را با تصوف آمیخته اند و بعضی از جوانمردان نیز به مسلک عرفان گرایش پیدا کرده اند و این کم کم باعث شده است تا فتوت و تصوف با هم آمیخته شوند. «میر سید علی همدانی در قرن هشتم یکی از بزرگان فتوت شمرده می شده، پیر او در فتوت شیخ ابوالمیامن نجم الدین محمود بن محمد و یا احمد الاذکانی بوده است که شیخ اذکانی نیز یکی از مریدان علاءالدوله سمنانی است. شیخ اذکانی نخست خرقة فتوت به همدانی پوشانید». (همان، ص ۱۷).

«خلاصه المناقب» نخستین کتابی است که یک سال بعد از وفات سید علی همدانی در شرح و احوال و مناقب او نگارش یافته است و یکی از مآخذ معتبر و اساسی راجع به زندگانی، فعالیت و کاری اوست. مؤلف خلاصه المناقب یکی از مریدان پرشور شاه همدان است که در چهارده سال آخر زندگانی سید با وی ارتباط کامل داشته و بر اساس مشاهدات عینی خود و آنچه از خود سید و مریدان دیگر وی شنیده، این کتاب را جمع آوری کرده است. این کتاب توسط نور الدین جعفر رستابازاری بدخشی (۷۴۰-۷۹۷ ق.) نوشته شده است. بدخشی معروف ترین و فاضل ترین شاگرد وی است که وقتی سید در ختلان بسر می برد به خدمتش رسید و از محضر علمی و معنوی بهره برد. او مشاهدات خویش را از اخلاق و رفتار استاد در کتاب «خلاصه المناقب» گرد آورد. در کتاب بدخشی نام این افراد از مریدان همدانی آمده است: خواجه اسحاق بن امیر آرامشاه علیشاهی ختلانی، محمد

طالقانی و قوام الدین بدخشی. خواجه اسحاق ختلانی (متوفی ۸۲۷ ه. ق) علاوه بر آنکه حوزه درسی همدانی را مغتنم شمرد به افتخار دامادی وی نایل گردید و در بسیاری از سفرهای تبلیغی و زیارتی ملازم استادش بود. خواجه اسحاق در نیم قرن فعالیت ارشادی و آموزشی، جمع کثیری از افراد مشتاق معارف اسلامی را تربیت کرده است، میر سید حسین سمنانی که منابع رجالی از او به عنوان فاضل، عارف و صاحب کرامات یاد کرده اند در برابر سید علی همدانی زانوی ادب بر زمین زد و از سوی استادش برای فعالیت‌های تبلیغی چندین بار روانه کشمیر گردید.

دودمان تعدادی مریدان مستقیم همدانی به مناطق شمال شرقی افغانستان امروزی و مناطق مجاور تاجیکستان برمی گردد. پیامدهای سیاسی و مذهبی فعالیت‌های مریدان همدانی در مرزهای شرقی اسلام در زمان ظهور تیمور زمینه‌ای مناسب برای حدس و گمان‌هایی را درباره حیات نمایندگان دودمان همدانی در آسیای مرکزی ایجاد می‌کند. ویژگی عمده آموزه‌های کبروی، که نجم الدین کبری آن را پایه ریزی و به دست نوادگان معنوی او علاءالدوله سمنانی و میر سید علی همدانی گسترش یافت، تأکید بر حفظ فضیلت‌های صوفیان در عین شرکت فعالانه در زندگی عادی بود، شیوخ کبروی یک سبک منطقی نگاه به درون خود را که به بهترین نحو با یک زندگی اجتناب‌پذیر از دنیا مناسب بود، نشان می‌دادند. همچنین شیوخ کبروی تعهدی جهت قرار دادن ثمرات اقدامات معنوی خود در دولت را تشخیص دادند و برای حاکمان پند و مشورت ارائه نمودند. بسیاری از تألیفات به جا مانده از میر سید علی همدانی مانند ذخیره الملوک؛ که به منظور ارشاد پادشاهان نوشته شده، رساله بهرام شاهیه؛ نصیحت بهرام بدخشانی، بر اساس این طرز تفکر و این نوع تعهد صوفیانه نگاشته شده است. در این راستا، سید همدانی در زمان زندگی و در نوشته‌هایش، وظیفه اجتماعی و سیاسی را مورد تأکید قرار می‌دهد. از رساله مستورات نیز بر می‌آید که چندین حاکم در جزء ارادتمندان و مریدان علی همدانی در آمده‌اند؛ مثلاً حاکمان بخارا و اردبیل و یکی از بلاد روم. او خود را درگیر سازمان‌های وقفی می‌کند و مسئول تعلیم اسلام به عموم مردم می‌شود و برای حاکمان نامه‌هایی در مورد وظیفه‌شان در برابر مسلمانان می‌نویسد. سیدعلی همدانی رابطه‌اش را با سلطان غیاث الدین پیرعلی یکی از حاکمان سلسله کرت در هرات حفظ کرد و خصوصاً از روابط نزدیک با حاکمان محلی بدخشان و ختلان، قبل از عزیمت به کشمیر، بهره‌مند شد. در آن جا هم خودش و هم پسرش سید محمد همدانی، تأثیر شدیدی بر روی سلطان قطب الدین و اسکندر گذاشتند، آن هم در زمانی که حکومت اسلامی برای اولین بار در آن جا پدید آمده بود.

باید توجه نمود که برخلاف کسانی که دعوی عارف بودن و وابستگی به اهل سلوک را دستاویز بی‌اعتنایی به وظایف فردی، خانوادگی، اجتماعی و عبادی خویش می‌پندارند، سیره و عملکرد سید همدانی به عنوان یک پیشوای شریعت و طریقت در خور توجه است. قبول مسؤلیت زن و فرزند به وسیله سید نشان می‌دهد که تصوف در نظر او به معنای ترک دنیا و رهبانیت نیست. در شماره ۳۲ فصلنامه رودکی راینی فرهنگی ایران در تاجیکستان به نقل از عالم روان‌شناس و استاد تربیت عبدالرحیم‌اف، درباره دیدگاه میرسیدعلی همدانی در تربیت خانوادگی چنین آمده است: «علی همدانی همچون فرزند پیش‌قدم زمان خود مسئله نقش خانواده را در تعلیم و تربیت نسل نوری از همین جهت تحلیل و تحقیق نمود. از همین رو، عقیده تربیتی و پند اخلاقی که علی همدانی در اثرهایش درباره مسئله تربیت خانوادگی به میان گذاشته بود در اصل آرزو و امید و مراد و مطلب مردم بود. از این رو، اندیشه‌های علی همدانی درباره مسائل تربیت خانوادگی، تاکنون ارزش آموزش و تربیتی خود را نگاه داشته‌اند».

«او، نه عارفی گوشه‌گیر بود که عرفان و تصوف را برای مریدسازی بخواهد، و نه عابدی حجره‌نشین، که عبادت خالق، او را از یاد خلق غافل سازد، بلکه عارفی عاشق، عابدی عالم، مبلغی آگاه و دلسوز، خدمتگزار به خلق و اهل علم و عمل بود که با هجرت و مجاهدات خود و نشر و القاء اندیشه‌های عرفانی اسلام، نسل‌های پیاپی آن خطه را مدیون خود ساخت و اسوه‌ای برای انسان‌های آگاه و وارسته شد. او که از نفحات الهی برخوردار بود و مالا مال از حب پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت گرامی او، نغمه‌ای را سرود که گوش دل انسان‌های مستعد را تا به امروز به خود جلب کرده است و نغمه‌ای را دمید که بوی دلنواز آن، امروز هم به مشام می‌رسد». (ذو علم، ۱۳۷۴، مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان).

در مورد مذهب سید نظرات مختلفی وجود دارد؛ برخی وی را شافعی مذهب می دانند که در کشمیر فقه حنفی را رواج داد و برخی با توجه به نسبش او را بر مذهب علوی دانسته اند، بر اساس شواهدی که در برخی از آثار وی وجود دارد، گروهی او را شیعه دانسته اند، هر چند این موضوع بین پژوهشگران مورد اختلاف است. سفر وی و گروهی از پیروانش را به کشمیر در سده هشتم هجری از عوامل نشر تشیع در این سرزمین به شمار می آورند. «درباره تشیع سید علی همدانی نزد نویسندگان اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی از آثار سید، رنگ و بوی سنی دارد. از جمله کتاب ذخیره الملوك از نظر سیاسی بر سیاق نظر اهل سنت نگاشته شده است، هر چند برخی، در همین کتاب نیز شواهدی از تشیع نویسنده آن یافته اند» (اذکایی، ۱۳۷۰، ص ۲۶). «در برخی رسائل دیگر او از جمله رساله اعتقادیه و رساله ای درباره علماء دین نیز شواهدی بر سنی بودنش وجود دارد برای نمونه در این رسائل او بهترین صحابه را خلفای راشدین دانسته و احکام را بر روش فقه شافعی ذکر می کند، قرآن را غیر مخلوق می داند و شورش بر حاکم ظالم را جایز نمی داند» (انواری، ۱۳۵۶، ص ۳۱۲؛ همدانی، رساله اعتقادیه، ص ۲۴۸، ۲۴۳). «از سوی دیگر برخی از آثار او، احتمال تشیع وی را به ذهن می آورد. از جمله این آثار «الموده فی القربى و اهل العباء» است که مجموعه ای از احادیث در فضیلت اهل بیت (ع) است» (هالیستر، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴؛ انواری، ۱۳۵۶، ص ۳۶۱-۳۶۲). «میر سید علیدر کتاب «مودة القربى» محبت اهل بیت را با عنایت بر تبلیغ رسالت اسلام متذکر شده، همچنین در دیباچه این کتاب میر سید علی گفته است که با جمع آوری احادیث و پرداختن به آن در شکل کتاب، در صدد دریافت وسیله ای برای نجات خود است. در کتاب مودة القربى، میر سید علی ۱۴ حدیث از راویان مختلف را آورده و در پایان به این نکته اشاره کرده است که محبت اهل بیت (ع) باید جزو ایمان شمرده شود» (انواری، ۱۳۵۶، ص ۳۶۲). از دیگر آثاری که در ذکر مناقب اهل بیت (ع) نگاشته است می توان به «السبعین فی فضائل امیر المؤمنین» و «الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین» اشاره نمود. با توجه به همین آثار، برخی از شرح حال نگاران به صراحت وی را در زمره شیعیان به حساب آورده اند. برای نمونه آقا بزرگ طهرانی در الذریعه به نقل از قاضی نورالله شوشتری که کتابی در زندگی نامه سید علی نگاشته است کتاب موده فی القربى را دلیلی بر تشیع میر سید علی دانسته است. (طهرانی، الذریعه، ج ۲۵، ص ۲۵۵ و ج ۱۰، ص ۲۱). «از دیگر آثار منسوب به او که احتمال تشیع وی را مطرح می کند می توان به رساله های انسان الکامل و اسرار وحی اشاره کرد» (انواری، ۱۳۵۶، ص ۳۳۰، ۳۵۹). «اینکه در زندگی نامه ها به دشمنی برخی از علما با وی اشاره شده، و نیز برخی از شواهد دیگر که در آثارش یافت می شود و همچنین اثری که وی در مریدانش در گرایش به تشیع داشته، از دیگر شواهدی است که برخی از نویسندگان را بر آن داشته تا تردید در تشیع وی را جایز ندانند» (اذکایی، ۱۳۷۰، ص ۲۵-۲۹). خواجه اسحاق بعد از سید جانشین وی در تصوف شد و دو شاگرد و مرید معروف به نام های سید محمد نوربخش و سید عبدالله برزیش آبادیداشت هاست. «این طریقه بعد از ابو اسحاق به دو شاخه تقسیم شد، شاخه ای به نام ذهبیه و شاخه دیگر که منسوب به سید محمد نوربخش بود، نوربخشیه لقب گرفت» (اذکایی، ۱۳۷۰، ص ۲۰-۳۰). سلسله ذهبیه نوربخشیه منسوب به جناب سید محمد نوربخش و سلسله اغتشاشیه منسوب به سید عبدالله برزیش آبادی می باشد. آنچه مسلم است تصوف کبروی در قرن های بعدی به عنوان نتیجه تکامل اصولیدر داخل فرقه ایکه از آغاز به گونهای هودار شیعه به شمار رفته، موجب رواج مذهب شیعه در ایران گردید.

۴- دیدگاه های سیاسی، اخلاقی میر سید علی همدانی

«فلسفه اخلاقی و دینی سید علی همدانی با نظرات دولت و حکومت او ممزوج است. نقطه مرکزی فلسفه وی عدالت اجتماعی است که در باب پنجم کتاب ذخیره الملوك بیان گردیده است. در احکام ولایت و سلطنت و امارت و حقوق رعایا و و شرایط حکومت و خطر عمده آن و وجوب عدل و احسان» (شاه همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۷). «بحث سیاست و حکومت و پیوند این دو با جامعه در دیدگاه همدانی حایز اهمیت بسیاری است. اگر چه در مباحثی چون هستی شناسی، انسان شناسی و دنیاشناسی، همدانی را متأثر از اندیشه امام محمد غزالی برشمرده اند، با این حال عقیده بر آن است که این تأثیرپذیری در مباحث سیاسی کمتر است و فصل های مربوط به سیاست کتاب ذخیره الملوك همدانی فرآورده اندیشه خود اوست» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴).

«نگاه همدانی به سیاست از زاویه نگاه یک عارف برجسته صورت پذیرفته است، در حالی که اکثر عارفان به حکومت و سیاست بی اعتنا بودند. دیدگاه همدانی می تواند چشم انداز جدیدی را در خصوص سیاست عرفانی ارائه کند. همدانی بیش از آن که به جنبه های ساختاری سیاست و حکومت بپردازد، به مباحث مربوط به اصلاح آن از طریق آسیب شناسی اخلاقی و دینی حاکم و حکومت پرداخته است. او سعی می کند با استفاده از دو قالب شریعت نامه نویسی و آموزه های حکمت عملی، نظام سیاسی مطلوب خود را در حاکمی صالح و متخلق ترسیم کند و از این رو تقریباً در تمام مباحث سیاسی همدانی می توان رگه های مربوط به اخلاق و دیانت را یافت. نگاه عارفانه همدانی به جهان هستی و دنیای گذرا عامل آن است که وی سیاست را به گونه ای پسندد که سعادت آن جهانی افراد جامعه را در پی داشته باشد و سعادت آخرت افراد جامعه وابسته به وجود حاکمی سعادت مند است. حاکم سرمنشأ تغییر و تحولات جامعه است و لذا ثواب سعادت و یا عقاب شقاوت جامعه شامل حال او نیز خواهد بود.» (احمدی، ۱۳۸۲). «در این راستا همدانی حکومت و شخص حاکم را عامل اساسی در اثرگذاری بر جامعه می پندارد. از نظر وی، حتی وجود جامعه ضرورتی است که سیاست بدان تحقق می بخشد و بدون حکومت، دین و اخلاق که پایه های پیوند جامعه را محکم می سازند نیز پشتوانه محکمی نخواهند داشت. همدانی معتقد است در ماهیت حکومت مجال زیادی برای جولان نفس و هواهای نفسانی نهفته است و این حقیقت ذمیمه که واسطه اضلال و اغواء مردم است از منصب سلطنت حظ وافری دارد.» (ذخیره الملوک، تصحیح محمود انواری، ۱۳۵۸، ص ۲۲۷). بیشتر تلاش همدانی در مباحث سیاسی آن است که با کنترل و جهت بخشی به اخلاق حاکم، اوضاع دنیایی و آخرتی جامعه را بهبود بخشد.

همدانی در بحث از ضرورت سیاست توجه خود را به سمت اختلافات ذاتی انسان ها در خلقت معطوف می کند و معتقد است:

«الف) نفوس و طبایع انسان ها در خلقت متفاوتند.

ب) این اختلاف که از آغاز خلقت انسان ها وجود دارد باعث می شود استعداد های افراد برای پذیرش و درک تجلیات جمالی و جلالی خداوند متفاوت باشد.

ج) از این رو اهداف، اغراض و مطالبات قلبی بشر دارای تفاوت است.

د) در اثر تفاوت فوق، اقوال، افعال و عقاید مردم نیز متباین شده است.

ه) این تباین باعث شده است که مردم در مراودات خود دچار مشکل شوند، چرا که صفات رذیله ای همچون ظلم، حسد، کینه و بخل در ذات انسان ها نهفته و مرکوز است.

به دلایل فوق همدانی نتیجه می گیرد که کمال ذات متعالیه خداوند اقتضا کرد تا در میان مردم حاکمی عادل و مصلحی کامل بگمارد.» (همان، ص ۲۵۵).

مشاهده می شود که نوع بحث همدانی در این جا بیشتر شبیه فیلسوفان مسلمان است و به ارائه ادله عقلی و فلسفی درباره منشأ حکومت پرداخته شده است و مفروض مباحثی که میرسد در این جا مطرح می کند همانا «ضرورت حفظ اجتماع» است. تفاوت طبیعت های انسانی و اختلاف اغراض و ... همگی برنده زنجیر همبستگی افراد در اجتماعند و از این رو حاکمی ضروری است تا این همبستگی فرو نپاشد.

البته مباحث همدانی در این مورد را از زاویه دیگری نیز می توان تحلیل کرد. همان طور که گذشت، همدانی در آخر مقدماتی که درباره منشأ سیاست برمی شمرد به مرکوز بودن صفات رذیله ای همچون ظلم، حسد و کینه در ذات انسان اشاره می کند. این امر حاکی از آن است که حاکم به نظر همدانی باید از به فعلیت رسیدن این گونه صفات جلوگیری کند و در راستای کنترل آنها قرار داشته باشد؛ به عبارت دیگر، تمایل ذاتی بشر به بی اخلاقی عاملی است که اقتضا می کند خداوند به حسب کمال ذات خود و برای حفظ زنجیره اجتماع حاکمی بر مردم بگمارد تا با کنترل و هدایت انسان ها زنجیره اجتماع از پاره شدن محفوظ باشد؛ از این رو همدانی در نتیجه گیری از دلایل طرح شده صرفاً به لفظ حاکم بسنده نمی کند بلکه «حاکم عادل» و «مصلح کامل» را برای جامعه ضروری بر می شمرد.

میر سید علی بحث روشنی درباره جامعه و منشأ آن ارائه نکرده است؛ اما از خلال مباحث او می توان دریافت که وی انسان را مدنی بالضروره می داند نه مدنی بالطبع. در کتاب ذخیره الملوک جمله ای را از عبدالله بن هارون در مقام تأیید نقل می کند که «مردم یا همانند غذا هستند که انسان ضرورتاً به آن محتاج است و یا به مثابه دوا هستند که در بیماری ها مورد احتیاج قرار می گیرند و یا همانند مرض اند که هیچ گاه مورد نیاز نیستند، اما انسان گاه گاه به آن مبتلا می شود» (همان، ص ۲۰۲). از این جمله می توان چنین استنباط کرد که از نظر میر سید، همان گونه که انسان مضطر به غذاست، به ارتباط با مردم جامعه نیز محتاج است. شایان ذکر است که همدانی دین را از پایه های استحکام پیوندهای اجتماعی می داند و در این زمینه حدیثی را از حضرت علی علیه السلام چنین نقل می کند: «امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که بر شما باد که برادران دینی را کسب کنید که ایشاناری ده دینند در دنیا و فریادرس اند در آخرت. نمی بینید که حضرت حق جلّ و علی از حال دوزخیان خبر می کند که چون از ایشان پرسند که چرا از غذاب الهی خلاصی نمییابید و در گرفتاری ابدی مانده اید، ایشان در جواب گویند از آن که ما در دنیا دوست صالح و برادری دینی کسب نکردیم که امروز شفاعت ما کند» (همان، صص ۱۹۶ و ۱۹۷).

با توجه به غایاتی که همدانی برای سیاست برمی شمرد، می توان گفت که از نظر او منشأ حفظ جامعه، دین و اخلاق، سیاست است؛ به عبارت دیگر، او وجود اجتماع را امری طبیعی نمی داند، بلکه آن را وابسته به سیاست برمی شمرد. نظام عالم حسی که اشاره به نظم موجود و لازم در زندگی اجتماعی انسان دارد، از نظر همدانی یکی از غایات سیاست است و منطقاً بدون سیاست غایت آن نیز موجود نخواهد بود. هم چنین بدون سیاست عادلانه، شرع و اخلاق نیز که از پایه های استحکام اجتماعند پایگاه محکمی نخواهند داشت. (همان، صص ۲۲۵ و ۲۲۶).

از نظر همدانی، اسباب معاش دنیای انسان به وسیله حکومت نظام مییابد. وی در ابتدای کتاب ذخیره الملوک می گوید: «حمد و ثنای بی شمار حضرت ملکی را که اسباب معاش خطه ملک دنیوی را به تمهید قانون سیاست حکمی نظام داد» (همان، ص ۱). به طور کلی ضرورت حکومت را از مجموعه ای از ضرورت های دینی، اخلاقی و اجتماعی ناشی می داند. در اینراستا چهار گونه وظیفه برای حاکم برمی شمرد: الف) در اجرای احکام شرعی غایه الامکان سعی کند؛ ب) برای حفظ قواعد اسلام میان خاص و عام به تساوی رفتار کند؛ ج) اعمال افراد اجتماع و احکام اشتغال آنها را به قوت داوری در راه صواب نگاه دارد؛ د) به وسیله موانع و روادع سیاسی از تعدی توانگران بر افراد ضعیف و مظلوم جلوگیری کند. انجام این گونه امور باعث می شود تا ۱. نظام عالم حسی برقرار بماند، ۲. حدود شرعی با ظلم و بدعت دچار نقصان نشود و ۳. صفات و طبیعت چهارپایاندر میان خاص و عام ظاهر نشود. (ریاض، تصحیح متن مکتوبات میر سید علی همدانی، ۱۳۵۳، صص ۳۷ و ۳۸).

میر سید علی همدانی با سایر پادشاهان و حکام و امرای مختلف کشمیر و نواحی ایران روابط دامنه دار داشته و در این مورد در بعضی از مراجع و نیز کتب او اشارات موجود است البته روابط وی با پادشاهان کشمیر مانند جمیع مساعی و فعالیتهای او در آن خطه آشکار و بارز است. روابط سید علی هیچ موقع بنا بر نیاز مندی و رفع احتیاجات شخصی او نبوده زیرا شخص او از دنیا و اموال و زخارف آن بالاتر و بی نیاز بوده و هر چه داشته آن را هم برای دیگران وقف کرده است.

در نگرش همدانی دین و حکومت از چند زاویه به یکدیگر پیوند خورده اند. نگاه او به سیاست ترکیبی از نگاه فیلسوفان مسلمان و شریعت نامه نویسان است. وی از طرفی، در خصوص منشأ و ضرورت حکومت به بحثی فلسفی درباره اختلاف طبایع و نفوس انسان ها می پردازد. و از طرف دیگر، تنفیذ احکام شرع و حفظ حدود و قواعد اسلام را از وظایف حاکم برمی شمرد و در این راستا وظایف گسترده ای برای حاکم اسلامی به منظور تحقق مصالح شریعت و مردم قائل است و اساساً آن را یکی از ضرورت های حکومت برمی شمرد.

شیوه بحث همدانی در کتاب ذخیره الملوک تماماً حاکی از پیوندی است که او بین مباحث دین و سیاست قائل است، چرا که در هر یک از باب های ده گانه این کتاب که به منظور ارشاد پادشاهان نوشته شده، ابتدا به بیان آیات و روایات مربوط به موضوع مطرح شده می پردازد و سپس در قالب های فلسفی، عرفانی و اخلاقی به تأیید و اثبات همان مطالب همت می گمارد.

همان طور که گفته شد، یکی از وظایف مهم حاکم از نظر همدانی اجرای احکام شرع است. او در مکتوبات خود خطاب به طغان شاه نوشته است: «رعایا را امر [به] معروف کن و برای اشاعه امور دین کسان خود را مأمور ناحیات ولایت ساز تا فرزندان

مردم را تسلیم کند در اقامت دین و امور اسلام. بدین طریق ظلمت های بی دینی و بی عملی و بدعت دور گردند. زنهار امور اقامت دین را سهل نگیری و بدانی که امری را که سهل بگیری ثمره ای ندهد. سرعت نفوذ احکام [دین] موقوف به حکم سیاست است.» (همان، ص ۴۳ و ۴۹).

همدانی با تأکید بر اصل امر به معروف و نهی از منکر و توجه دادن حاکم به این اصل مهم بر ضرورت توجه حکومت به شریعت پای می فشرد و حتی در این راستا توصیه می کند: «و چون در این زمان جهل چنان بر روزگار غالب است که در شهرهای معظم که مجمع علما و مقرر فضالست اکثر خلق به احکام صلاح و فساد و فروع اعیان جاهلند فضلاً عن القری والجبال والبیوادی بر ولات و حکام عصر واجب است که در هر قریه ای از قراء ولایت و در هر محله ای از محله های شهر معلمی فقیه نصب کنند تا عامه خلق را تعلیم امور دین و فرائض شرع بیاموزند...» (ذخیره الملوک، تصحیح محمود انواری، ۱۳۵۸، ص ۴۰۴).

«همدانی معتقد است هدایت جامعه اصالتاً از آن انبیا و پس از آنها عرفا و اعیان اولیاست، اما دنیا طلبان مغرور و خودپسند مانع اصلی بر سر راه این گروه بوده اند و آنها از هدایت خلق باز مانده اند.» (ریاض، تصحیح متن مکتوبات میر سید علی همدانی، ۱۳۵۳، ص ۵۸). و لذا همدانی برای حکومت نقشی در تداوم نقش پیامبران و اولیای خداوند قائل است؛ به عبارت دیگر، حاکم صالح می تواند آبی را که از جوی صراط هدایت به وسیله جاهلان و خودپسندان رفته است بدان باز گرداند. این بدان معناست که سیاست اصلی است که به کار هدایت مردمان در مسیر حرکت از دنیا به آخرت می آید. این نگرش همدانی به سیاست را پیشتر از او در مباحث امام محمد غزالی نیز می توان مشاهده کرد. (قادری، ۱۳۷۰، ص ۹۴).

به نظر همدانی، راه کسب سعادت اخروی آراسته شدن به صفات حمیده است. او اصول مکارم اخلاقی را ده صفت می داند و باقی صفات را فروع آنها بر می شمرد. این ده اصل عبارتند از: «علم، حیا، حلم، سخاوت، تقوا، شجاعت، عدل، صبر، صدق و یقین.» (ذخیره الملوک، تصحیح محمود انواری، ۱۳۵۸، ص ۱۴۴).

میر سید علی به دو صورت بین اخلاق و سیاست پیوند می زند: اول آن که یکی از غایات سیاست را آن می داند که حیوان صفتی در میان خاص و عام رواج نیابد و در واقع همدانی حاکم را پاسبان اخلاق می داند. دوم آن که اخلاق یکی از مبانی مشروعیت است و حاکم فارغ از اخلاق مشروع نیست و بدین جهت سراسر کتاب ذخیره الملوک پر از نصایح و مواعظ اخلاقی به حاکم است و می گوید: «رسول صلی الله علیه و آله فرمود: إن بدلاء أمتی لم یدخلوا الجنة بصلاح ولا صیام ولكن دخلوها بسخاوة الانفس وسلامة الصدور.»

همدانی معتقد است برای رسیدن به خداوند راهی نزدیک تر از خدمت رسانی به خلق وجود ندارد و می گوید: «ما از این راه مقصود یافته ایم و عزیزان را همیشه وصیت و توصیف می کنیم که خدمت به عیال الله را شعار خود سازند.» (ریاض، تصحیح متن مکتوبات میر سید علی همدانی، ۱۳۵۴، ص ۳۴۸). «میر سید علی به پادشاه توصیه می کند که شب زنده دار بودن و ورد خواندن و زهد ورزیدن کار درویشان است و پادشاه باید به جای این امور به انجام واجبات اکتفا کند و در عوض به کمک حاجتمندان بشتابد و داد مظلومان را بستاند، چه این که اگر کسییک دل شکسته را دریابد و یایک درمانده را معمور سازد بهتر از آن است که در همه عمر خود بیدار باشد و نوافل به جای آورد.» (همان، ص ۳۴۸). همدانی معتقد است حب دنیا سرمنشأ همه گناهان است و اگر حاکم حب دنیا را به دل راه ندهد. می تواند مقامی بسیار ارجمند داشته باشد، هر چند در ظاهر تاجی بر سر و قبایی در بر داشته باشد.

«به نظر می رسید، آنچه به حاکم مشروعیت می بخشد عدالت و اصلاح طلبی او در امور دین و دنیای مردم است و همان طور که گذشت، وی پس از بیان منشأ حکومت به لزوم وجود حاکم عادل و مصلح کامل اشاره می کند؛ به عبارت دیگر، در مباحث مربوط به دوگانگی مشروعیت (مشروعیت الهی و مشروعیت مردمی)، همدانی را می توان قائل به مشروعیت الهی آن هم از نوع خاص خود دانست. وی بر این عقیده است که حاکم را خداوند برگزیده است، اما این حاکم برگزیده باید بتواند از وضعیت خود در نهایت برای تحصیل سعادت اخروی استفاده کند و در غیر این صورت ترک آن منصب برای وی بهتر است.» (همان، ۱۳۵۳، ص ۴۳).

همدانی مقام حکومت و ولایت را ایستگاهی بین «سعادت ابدی» و «شقاوت سرمدی» می‌داند و از این رو به حاکم عادل توصیه می‌کند که از خطر حکومت غافل نباشد، چرا که «اگر در ادای حقوق بندگی سعی نماید و اوامر را به تسلیم و رضا انجام دهد، نعمت های فانی باعث سعادت ابدی او گردد و اگر رضای آن حضرت از لحاظ هوای نفس بفروشد و آفتاب دولت ابدی را گل غفلت بپوشاند گرفتار نکال سرمدی گردد» (همان، ص ۴۲).

میر سید علی به طغان شاه می‌نویسد که «مجموع عبادت هایی که به سعادت اخروی می‌انجامد به دو اصل باز می‌گردد: یکی تعظیم امرالله و دیگر شفقت به خلق الله» (همان، ص ۴۲). می‌توان این دو نکته را ملاک مشروعیت حاکم از نگاه همدانی دانست: «و حاکم و پادشاه چون بر نهج عدل و احسان بود و در اقامت حدود شرع و نفاذ احکام دین کوشد وی در زمین نایب و برگزیده حق و سایه الله و خلیفه رحمان است و چون طریقت معدلت و احسان بگذارد و بر بندگان شفقت نکند و متابعت نفس و هوا کند و اهمال اقامت حدود شرع روا دارد وی به حقیقت نایب دجال و دشمن خدا و رسول و خلیفه شیطان است» (همان، ص ۵۰).

۵- دیدگاه های اجتماعی، فرهنگی، هنری و اقتصادی میر سید علی همدانی

تبلیغ و ترویج اسلام از وظایفی بود که همدانی در سفرها آن را تعقیب می‌نمود. تدریس معارف اسلام، تربیت شاگردانی دانشور، تشکیل مجالس وعظ و خطابه، برپا کردن حوزه هایی برای تهذیب نفوس و رشد فضایل اخلاقی، آموزش مبلغان و واعظان و... را در برنامه خود داشت. او حکام و والیان را راهنمایی و آنان را به عدل، انصاف و رعایت قوانین دینی فرا می‌خواند، احداث مسجد و مدرسه و تأسیس کتابخانه، کوشش‌هایی بود که او انجام داد. برتری بر رهبران فرقه‌های غیرمسلمان در بحث و از طریق بیان برهان‌های قوی و منطقی با الهام از قرآن و سنت، ارائه نمونه عینی و کاملی از اخلاق اسلام و بروز خصلی چون شجاعت، استقامت، قاطعیت، اراده قوی، صراحت زبان، زهد و قناعت، تأمین هزینه زندگی از دسترنج خویش، فداکاری و تقدم دیگران بر خود، وقف دارایی‌های خویش برای کمک به نیازمندان جامعه، احیای اماکن مذهبی و تبلیغی، تألیف‌دهنده کتاب و رساله در موضوعات گوناگون و... از ویژگی‌ها و اقدامات او است. مراکز تبلیغ و فعالیت دینی او همدان، ترکستان و کشمیر بود، او توانست پیوند و همبستگی معنوی و فرهنگی را بین این کشورها ایجاد کند. بر اثر تلاش او در کشمیر حدود ۳۷ هزار نفر به اسلام گرویدند و در این دیار به گسترش اسلام اهتمام نمود. همدانی در کشمیر کتابخانه تأسیس کرد و کتاب های عربی و فارسی خود را به کشمیر آورد و آنان را در کتابخانه گذاشت. مریدان او که از ایران به کشمیر آمدند زبان فارسی را در این کشور گسترش دادند و زبان اردو بر اثر تجمع مردم ایرانی و ترکی زبان کشمیری، خط فارسی را گرفت و مضامین شعری و تشبیهات و تلمیحات ادبی در این زبان وارد شد. او برای مردم کشمیر آرمغانی چون اسلام، زبان فارسی و صنعت از ایران برد و در دره کشمیر مدارس و خانقاه ها ساخت.

همدانی در کشمیر خدمات فراوانی به اسلام نموده است، هزاران شاگرد در کشمیر تربیت کرد که هر کدام برای خود استاد شدند، از همین روی همدانی هنوز در کشمیر شناخته شده و محترم است و از او به شاه همدان یاد می‌کنند، خانقاه مولا یا زیارتگاه شاه همدان در کشمیر از دیدنی های عمده است. مسجد همدانی نخستین مسجد ساخته شده در کشمیر است که به یاد او در این منطقه بنا گردیده است. او بیشتر آثار خود را در کشمیر نوشت و بین مریدان و نو مسلمانان پخش کرد که در روشنی و رشد فکری و تهذیب اخلاق آنان سهم بسزایی داشت. او بیشتر به موضوع‌های حقوق والدین و مناسبات بین زن و شوهر، مقام و مرتبه زن، برادری و دوستی، عدل و شاه عادل، شکر نعمت و مرتبه، انواع صبر و... سخن گفته است. همدانی بر این عقیده بود که اگر پادشاهان و حاکمان اهل خرد و ادب باشند به سلطنت رعیت حق دارند. وی شاعر بود و غزل های گرم و پرشور سروده است که مجموعه ای از آن ها با عنوان «چهل اسرار» به چاپ رسیده است. گسترش بسیاری از هنرهای گذشته در کشمیر با نام همدانی پیوند دارد، هنرهایی چون شالبافی، بافندگی، سفالگری و خوشنویسی از بازمانده های میراث شاه همدان و هفتصد همراه هنرمند او به شمار می‌آید. (اداره کل سازمان های بین المللی و موافقت نامه های فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی). میر سید علی همدانی دارای جایگاه رفیعی است به طوری که نه تنها به لحاظ دینی انقلاب بزرگی در کشمیر به وجود

آورد بلکه در نحوه زندگی مردم کشمیر نیز تاثیرگذار بوده است و اقدامات وی به توسعه اقتصادی اجتماعی این منطقه منجر شد.

«سید همدانی از شخصیت هایی است که در انتقال فرهنگ و تمدن ایران به شبه قاره نقش خیلی مؤثری داشته و این هدف را از راه های گوناگون دنبال کرده است؛ از جمله:

- ۱- ترویج هنر ها و صنایع ایران (قالیبافی، ابریشم بافی، سنگ تراشی، معماری و ...) خصوصاً در کشمیر.
- ۲- گسترش زبان فارسی و شعر ادبیات آن بویژه در خطه پنهان نامبردهو در این مورد شایان توجه است که چون خطابه ها و مواعظ همدانی و کلیه اشعار و غالب آثار وی به فارسی بوده و همه آن ها با استقبال و عنایت تام مردم منطقه مواجه شده و حتی پاره ای از کتاب های وی جزء متون درسی جای گرفته، مجموع عوامل یاد شده، کمک زیادی به پیشرفت فارسی و فرهنگ آن در این مرز و بوم کرده است». (ثبوت، ۱۳۶۴، ص ۳۰۵).

همدانی در علوم گوناگون و فنون مختلف اسلامی که زمان حیاتش متداول بود، تبحر داشت و از جمیع معاصران و اعلام ممتاز بود. «جناب امیرکبیر سیدعلی همدانی در تصوف و علوم گوناگون متبحر گشته و مقامات عالیه معرفت الهی را حاصل نموده بودند. چنانکه در علوم باطنی تصانیف مشهوره و گران بهای را بجای گذاشتند، تا طالبان معرفت و حقیقت جویان راه حقیقت را راهنمایی نموده باشند». (مجالس المومنین، قاضی نورالله شوشتری).

میر سید علی همدانی همراه با ۷۰۰ سید هنرمند ایرانی وارد کشمیر شده است. او با رفقا و نزدیکان خود در محله ایکه به نام علاء الدین بوده بر کنار رود خانه ابهت (جهلم کنونی) فرود آمده بود. این همان مقام است که بعداً خانقاه معلی شاه همدان یا مسجد شاه همدان را آنجا بنا کرده اند. علی همدانی بعد از ادای نماز فجر و ذکر اوراد و وظایف شرعی در جایی بلند می نشست و با مردم راز دین و پند و اندرز می گفت. او حقایق دین اسلام را با لحن شیرین و دل نشین و طبق استعداد مردم عادی بیان می نمود. بظاهر او به زبان فارسی وعظ می گفت و در بعضی موارد از ترجمان (که از رفقای او بودند و چند سال قبل از ورود سید در کشمیر توطن گزیده و زبان محلی را یاد گرفته بودند چون برادران سمنانی که عمو زاده او می باشند و افراد دیگر) استفاده کرده است. علی همدانی سلسله مرتب تبلیغ دین را در کشمیر بوجود آورد. او مبلغین و واعظین متعدد را تربیت و تعلیم می کرد و سپس آنان را در هر ناحیه کشمیر می فرستاد تا دین اسلام را به مردم بشناساند و بدین وسیله موفقیت های شایانی بدست آورده است.

علی همدانی با علماء و مسافران و کاهنان مذاهب دیگر کشمیر چون هندوها و بودایی ها مناظره های سخت انجام می داد و بیشتر غالب و چیره می آمد. در دوران اقامت او در کشمیر سی و هفت هزار تن بر دست او مسلمان گردیده و بنا بر نفوذ فوق العاده او اسلام در آن خطه گسترش زیادی یافت.

به قول صاحب رساله مستورات سید مردم کشمیر را طوری با اسلام شیفته ساخته بود که آنان معبد های اسبق را مبدل به مساجد می کردند و یکی از مریدان علی همدانی بنام شیخ قوام الدین بدخشی را می خواندند که در آن معابد (مساجد) اذان بگوید و به افتتاح آنها بپردازد. سید علی همدانی در حدود پنج سال در نواحی دور دره جامون و کشمیر در بلتستان و گلگیتسیاحت کرده و نخستین بار او صدای دین مبین اسلام را بآن سر زمین ها رسانده است. بسیاری از خانقاه ها و مساجد آنسامان به نام (مساجد حضرت امیر) در دوره او ساخته شده است. در یکی از مساجد (شگر) نقوش سوره مزمل نوشته به دست وی هنوز هم موجود و خواناست می گویند مجموعه اوراد فتحیه خود را وی در آن نواحی جمع آوری نموده بود عصا و تبرکات دیگر وی در بلتستان نگاهداری می شود.

علی همدانی در کار های مفید اقتصادی شرکت فعال داشت، برای کسب حلال به کلاه بافی اشتغال می ورزید، از هیچ کس هدیه نمی پذیرفت، بلکه درآمد خویش را نیز در راه خدا و کمک به مستمندان می داد. سید می خواست که هنر ایرانی و اسلامی گسترش بیشتری پیدا کند برای این کار او هفتصد تن سید هنر مند و چاپک دست ایرانی را در کشمیر توطن داد و بوسیله آنان ابریشم بافی، قالی بافی، سنگ تراشی و فن معماری ایرانی وارد خطه کشمیر و نواحی آن گردید، صنعت شال بافی

که از صنایع قدیمی کشمیر بوده رو به انحطاط و زوال بود. به توصیه علی همدانی سلاطین کشمیر این صنعت را مورد تشویق قرار دادند و به کمک یاران هنر مند سید، احیاء صنعت شال بافی عملی شد.

مردم کشمیر به زبان و ادبیات کشور اسبق علی همدانی ایران علاقه مخصوص نشان می دادند و در کم ترین مدت این زبان و تهذیب و تمدن ایرانی در ناحیه کشمیر گسترش بی سابقه ای پیدا کرد، و این خطه به درستی ایران صغیر نامیده شد. علامه اقبال در ذکر مناقب و خدمات علی همدانی می فرماید:

آفرید آن مرد ایران صغیر با هنر های غریب و دل پذیر

خطه را آن شاه در یا آستین داد علم و صنعت و تهذیب و دین (کلیات اقبال ص ۳۵۸).

علی همدانی در ختلان کتابخانه یی بنا کرده بود و همین کار را مجدداً در کشمیر انجام داد. او سایر کتب عربی و فارسی خود را به کشمیر آورده و در آن کتابخانه گذاشته است. درباره تعداد آثار و نوشته های همدانی اختلاف نظر وجود دارد. ثبوت در این باره گفته است: «آثار منثور و منظوم سید که هم بسیار است (بیش از ۱۱۰ کتاب و رساله و مجموعه شعری) و هم به لحاظ «سبک و انشا» و «محتوی و مضمون» در خور توجه می باشد، از ویک چهره درخشان فرهنگی ساخته است. این آثار در رشته های مختلفی نگارش یافته و از ذخایر گرانبهای ادب و معرفت به شمار می رود و قدرت اندیشه و قلم مردی را آشکار می سازد که گر چه نزدیک به ثلث عمر وی در مسافرت و جهانگردی گذشته و گرفتاری های ناشی از مقابله با حکومت ها و اشتغالات متعدد تبلیغی، ارشادی، تدریسی، عبادی، معاشی، اجتماعی و ... نیز بخش عظیمی از وقت و نیروی او را اشغال کرده، چنین میراث فرهنگی ارزنده ای بر جای نهاده، و با آن که شاعر و نویسنده و مؤلف حرفه ای نبوده و قصد و فرصت هنر نمایی از راه شعر و نویسندگی و تألیف نداشته، پاره ای از آثار وی در نوع خود از بهترین هاست». (ثبوت، ۱۳۶۴، ص ۳۰۴).

۶- نتیجه گیری و پیشنهادات

با بررسی و مطالعه زندگی موفقیت آمیز این شخصیت عارف و مبلغ چندین نکات مهم پی می بریم: علم و عمل در راه خدا بنیادی ترین جنبه تبلیغی در سیره میر سید علی همدانی به وضوح به چشم می خورد. اتکا به خدا، احساس مسئولیت و دوری از زخارف دنیا، عناصر بارز در تبلیغ میر سید علی همدانی بودند که باوجود مهاجرت از زمین دور دست باعث روی آوردن توده مردم و حکام و پادشاهان بصورت جمعی صورت گرفت.

دیگر اینکه تبلیغ هنگامی موثرتر و گسترده واقع می شود که مرادرتودهمردمدرسطوحعالی و بین افراد دستگاه حاکم هم نفوذ و تبلیغ انجام شود. در سرتا سر زندگی میر سید علی همدانی این روش دو بعدی را مشاهده کرده ایم، در هر سرزمینی که وارد شده به خاطر نفوذ در هر دو طرف کار را به سرعت پیش بردند.

«میر سید علی همدانی تأثیر عمیقی بر تفکر، مذهب، سیاست و شیوه زندگی مردم کشمیر از خود به جای گذاشت و به وسیله تأکید بر خوردن حلال که آن را نوعی عبادت می دانست، کار و تلاش را به عنوان یک فرهنگ به مردم کشمیر هدیه داد. او خود و مریدانش در خانقاه در طول روز مشغول کار تولید برای تأمین معاش بودند و هرگز از هدایا و فتوح در گذران زندگی استفاده نمی کردند و از این طریق و به طور غیر مستقیم مردمی را که در زمره مریدان وی بودند از این شیوه سرمشق گرفتند و کار و تلاش و اکل حلال را سرلوحه وظایف خود قرار دادند و این امر موجب شکوفایی همه جانبه دره کشمیر شد. میر سید علی تنها در نقش یک رهبر مذهبی در میان مردم ظاهر نشد بلکه به عنوان یک شخصیت جامع الاطراف در سیاست و اقتصاد نیز نقش ماندگاری از خود به جای گذاشت». (عطایی، ۱۳۸۷، صص ۲۱۷ و ۲۱۸).

برای تسریع در امر تبلیغ یکی از عوامل مهم فعالیت تبلیغی، تبلیغ دسته جمعی افراد همفکر در یک منطقه است و این امر را در عصر ارتباطات امروزی بیش از پیش درک می کنیم. امروز در کشوری که دولت از دین حمایت نکند امر تبلیغ بسیار سخت و تأثیر اش خیلی به چشم نمی آید. رسانه های آزاد در هر لحظه انفجاری از انحراف فکری و اخلاقی به همراه دارند درحالیکه یک مبلغ تنها در هر زمینهی فعالیت کند از پس این همه همه های خلاف دینی و اخلاقی به هیچ وجه بر نمی آید. کار و تلاش برای ادراک زندگی شخصی خود و همچنین فعالیت برای رفع نیازهای اقتصادی دیگران عامل دیگری در جذب مردم

موثر بوده است. این ها یک سری نکات برجسته ای در تاریخچه سیره و فعالیت تبلیغی میر سید علی همدانی به چشم می خوردند که ایشان را برای گسترش دین و عقاید خود از هزاران کیلومتر دور با وجود اختلاف دین و ملت و زبان و فرهنگ موفق ساخت تا آن منطقه را از لحاظ فکری و فرهنگی تصرف کند.

میرسید علی همدانی برای بسیاری از ایرانیان شناخته است. شخصیت، آثار و زندگی این عارف برجسته در دیگر کشورها مانند هند، پاکستان، کشمیر و تاجیکستان بیش از ایران، شناخته شده است. شاید یکی از علل این ناشناخته ماندن، ناآشنایی و کم کاریمسئولین، هنرمندان و اهالی فرهنگ در معرفی مشاهیر ایران زمین می باشد. معرفی مشاهیر ایرانی و همچنین ساخت آثار هنریدر مورد شخصیت و آثار آن ها می تواند نقش مهمی در توسعه روابط فرهنگی، اقتصادی، تجاری و حتی سیاسیدر سطح بین المللی داشته باشد. چاپ و نشر آثار بزرگانی چون میر سید علی همدانی، می تواند کمک بزرگی در ترویج فرهنگ ناب اسلام داشته باشد و چه بسا از لا به لای این آثار، گره هایی از اختلافات دینی، ادبی و فرهنگی موجود در بین سلاقی و مذاهب مختلف گشوده شود. انتظار می رود که اهالی فرهنگ، حوزه های علمیه، دانشگاه ها و مسئولین دست اندر کار از طریق برگزاری همایش ها، راهنمایی و تدوین پایان نامه ها، تألیف کتب، بررسی و تحلیل آثار و تاریخ زندگی شخصیت هایی چون میر سید علی همدانی، در معرفی این بزرگان به جامعه و به خصوص نسل جوان، رسالت خود را به احسن الوجه به انجام برسانند.

منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۳۹۳). الذریعة إلى تصانیف الشيعة [منبع الکترونیکی]. ج ۱۰، و ج ۲۵. مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع). قابل دسترسی در سایت: lib.ahlolbait.com.
۲. اداره کل سازمان های بین المللی و موافقت نامه های فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (۱۳۹۳). تاریخ ورود اطلاعات زندگی و زمانه میرسید علی همدانی.
۳. ادکایی، پرویز (۱۳۷۰). مروج اسلام در ایران صغیر، احوال و آثار میر سید علی همدانی به انضمام رساله همدانیه، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا با همکاری انتشارات مسلم همدان.
۴. انواری، سید محمود (۱۳۵۶). میر سید علی همدانی و تحلیل آثار او، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۲۳.
۵. بدخشی، نور الدین جعفر. به تصحیح سیده اشرف ظفر (۱۳۷۴). خلاصه المناقب (در مناقب میر سید علی همدانی). اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۶. ثبوت، اکبر (۱۳۶۴). نگاهی به احوال و آثار میر سید علی همدانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. پورتال جامع علوم انسانی.
۷. روشن آرا بیگم (۱۳۷۳). حضرت امیر کبیر سید علی همدانی. آشنا، سال سوم، شماره ۱۷.
۸. ریاض، محمد (۱۳۵۳). «تصحیح متن مکتوبات میر سید علی همدانی»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۲۰، شماره اول.
۹. ریاض، محمد (۱۹۸۵). احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی، اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۰. شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). مجالس المومنین، تهران: اسلامیه.
۱۱. طباطبایی، سید جواد (۱۳۷۵). خواجه نظام الملک، تهران: طرح نو.
۱۲. عطایی، عبدالله (۱۳۷۸). نقش میر سید علی همدانی در توسعه هنر و صنایع دستی در کشمیر، مجله آینه میراث، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۸.
۱۳. فصلنامه ادبی، فرهنگی رودکی، راینی فرهنگی ایران در دوشنبه، ش ۳۲.

۱۴. قادری، حاتم. (۱۳۷۰). اندیشه سیاسی غزالی. تهران: وزارت امور خارجه.
۱۵. میرسیدعلی همدانی، ذخیره الملوك، تصحيح محمودانوارى (تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۸) ص ۲۲۷.
۱۶. هالیستر، جان نورمن. (۱۳۷۳). تشیع در هند، ترجمه آرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. همدانی، سید حسین شاه. (۱۹۹۵). ترجمه محمد ریاض خان، شاه همدان، میر سید علی همدانی، اسلام آباد پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۱۸. همدانی، میر سید علی. (قرن ۸). شرح مرادات حافظ. پژوهش ایرج گل سرخی. (۱۳۷۳). تهران: وزارت امور خارجه.
۱۹. همدانی، میر سید علی، رساله اعتقادیه، تحقیق احسان فتاحی اردکانی، فصلنامه میثاق امین، پیش شماره سوم، تابستان ۱۳۸۶.

